

تحلیل اخلاقی مرگ مغزی و اهدای عضو در پرتو آموزه‌های اسلامی

زهرا جباری^۱

چکیده

مرگ مغزی و اهدای عضو، پدیده‌ای نوین در حوزه فقه و اخلاق اسلامی، با رویکردی مبتنی بر کرامت انسانی و حفظ حیات، مورد واکاوی قرار گرفته است. در شریعت اسلام، جان انسان از جایگاه والایی برخوردار بوده و نجات جان دیگران، تجلی‌بخش احسان و نوع‌دوستی تلقی می‌گردد (مائده: ۲). مرگ مغزی، به معنای فقدان کامل و برگشت‌ناپذیر عملکرد مغز، از دیدگاه بسیاری از فقهای امامیه، از جمله آیات عظام مکارم شیرازی و خامنه‌ای، به عنوان شاخصی برای تعیین مرگ شرعی پذیرفته شده است؛ این پذیرش، اما، مشروط به تشخیص دقیق و تخصصی پزشکی و رعایت کامل موازین شرعی است. اهدای عضو پس از وقوع مرگ مغزی، در صورتی که با رضایت آگاهانه و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت مادی صورت پذیرد، نه تنها منافاتی با حفظ کرامت متوفی ندارد، بلکه عملی مشروع و حتی مستحب به شمار می‌رود. این پژوهش، با استناد به آیات قرآن کریم، روایات معصومین (علیهم‌السلام)، فتاوی معتبر فقها و یافته‌های نوین پزشکی، به این نتیجه می‌رسد که اهدای عضو، در راستای اصول بنیادین اخلاقی اسلام، به ویژه حفظ جان و رعایت کرامت انسانی، قابل توجیه است. با این وجود، چالش‌هایی همچون اختلاف‌نظرها در تعریف دقیق مرگ و لزوم صیانت از حرمت جسد، نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر و موشکافانه‌تر است. ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ اهدای عضو در جوامع اسلامی، مستلزم اطلاع‌رسانی شفاف و تبیین دقیق مبانی فقهی و اخلاقی این موضوع است تا از این طریق، اعتماد عمومی به این امر خداپسندانه تقویت گردد و زمینه برای نجات جان انسان‌های نیازمند فراهم آید. تبیین ابعاد مختلف اهدای عضو و پاسخگویی به شبهات موجود، نقش بسزایی در افزایش مشارکت مردم در این امر خداپسندانه خواهد داشت.

کلیدواژه: اهدای عضو، مرگ مغزی، آموزه‌های اسلامی

۱. مقدمه

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س)، کبودرآهنگ

حیات انسانی در آموزه‌های اسلامی، ارزشی والا و جایگاهی مقدس دارد. این تقدس، ریشه در کرامت ذاتی انسان به عنوان خلیفه الهی بر روی زمین دارد، چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء: ۷۰). بر این اساس، نجات جان انسان‌ها، امتدادی از این کرامت و مصداقی روشن از تعاون بر نیکی و تقوا محسوب می‌شود: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲). در این چارچوب فکری، این مقاله با رویکردی تحلیلی و میان‌رشته‌ای، به واکاوی مسئله مرگ مغزی و اهدای عضو در پرتو آموزه‌های اسلامی و از زوایای اخلاقی، فقهی و علمی می‌پردازد. ورود مفهوم مرگ مغزی به عرصه فقه پزشکی، از این جهت اهمیت دارد که مرزهای بین حیات و ممات را در افق‌های جدیدی نمایان می‌سازد. در سنت فقهی، مرگ همواره با توقف ضربان قلب و تنفس تعریف می‌شد، اما پیشرفت‌های دانش پزشکی و شناسایی مرگ مغزی به عنوان پایان غیرقابل بازگشت تمامی فعالیت‌های مغزی، ضرورت بازاندیشی در مبانی فقهی و اخلاقی این حوزه را آشکار ساخته است. اهدای عضو از فرد مبتلا به مرگ مغزی، به عنوان تجلی بارزی از احسان و انفاق، پرسش‌های مهمی را در مورد مشروعیت شرعی و پیامدهای اخلاقی آن مطرح می‌کند: آیا مرگ مغزی، مصداق مرگ حقیقی است؟ آیا احراز رضایت متوفی یا ولیّ او برای اهدای عضو کافی است؟ تا چه میزان می‌توان فتاوی موجود را با اصل کرامت انسانی و موازین شرعی هماهنگ دانست؟

این مقاله می‌کوشد با استناد به منابع قرآن و سنت، اقوال فقها و پژوهش‌های معاصر، پاسخی دقیق و مستدل به این پرسش‌ها ارائه دهد و الگویی قابل اتکا برای مواجهه با چالش‌های نوین در حوزه فقه پزشکی اسلامی ترسیم کند. هدف نهایی، ارائه یک چارچوب جامع و سازگار با موازین شرعی و اصول اخلاقی برای ترویج فرهنگ اهدای عضو و نجات جان انسان‌های نیازمند است.

۱-۱. بیان مسئله

درک مفهوم مرگ در اسلام، با جدایی روح از بدن گره خورده است؛ فرآیندی که به طور مستقیم و تجربی قابل لمس نیست. در طول تاریخ، نشانه‌های ظاهری مانند توقف نبض، تنفس و حرارت بدن، به عنوان معیارهای تشخیص مرگ به کار می‌رفتند. اما با پیشرفت‌های چشمگیر علم پزشکی در عصر حاضر، مرگ مغزی به عنوان یکی از نشانه‌های معتبر و موثق پایان حیات شناخته شده است. مرگ مغزی، به معنای توقف کامل و غیرقابل بازگشت عملکرد مغز و ساقه مغز است. این تعریف نوین از مرگ، پیش از هر چیز، نیازمند پاسخگویی به اساسی‌ترین پرسش‌ها است: آیا توقف کامل عملکرد مغز و ساقه مغز، به منزله جدایی روح از بدن است؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان مرگ مغزی را از منظر شریعت اسلام، به عنوان مرگ حقیقی تلقی کرد؟ اگر پاسخ به

این پرسش مثبت باشد، سوال دیگری مطرح می‌شود: آیا اهدای عضو از فردی که دچار مرگ مغزی شده، به نیازمندان، بر پایه یک مرگ مشروع، از نظر شرعی و اخلاقی مجاز است؟

پیچیدگی این مسئله، ناشی از ماهیت متافیزیکی روح و تعریف سنتی مرگ در فقه اسلامی است. از یک سو، با پیشرفت علم پزشکی، امکان تشخیص دقیق و قطعی مرگ مغزی فراهم شده است؛ و از سوی دیگر، ضرورت حفظ کرامت انسانی و احترام به جسد متوفی، ایجاب می‌کند که در این زمینه با احتیاط و دقت فراوان عمل شود. این پرسش‌ها، محور اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. تلاش می‌شود با بهره‌گیری از روش‌های استنباطی از منابع قرآنی و حدیثی، بررسی دیدگاه‌های فقهای بزرگ و تحلیل مصادیق مرتبط، ابعاد مختلف این مسئله روشن شود و راهکاری مناسب برای مواجهه با این چالش نوین در حوزه فقه پزشکی ارائه گردد. هدف اصلی، یافتن پاسخ‌هایی است که ضمن انطباق با مبانی شریعت اسلام، امکان بهره‌مندی از ظرفیت‌های اهدای عضو برای نجات جان انسان‌ها را فراهم آورد.

۱-۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی موضوع مرگ مغزی و اهدای عضو از منظری اسلامی، اهمیت فزاینده‌ای یافته است که ریشه در تحولات عمیق در مفاهیم پزشکی و اخلاقی دارد. در وهله اول، با تحول در تعریف مرگ و پذیرش «مرگ مغزی» به عنوان معیار قطعی پایان حیات در علم پزشکی نوین، تعارض‌های قابل توجهی میان مبانی فقهی و اخلاقی سنتی و یافته‌های جدید پزشکی بروز کرده است. این تعارض‌ها، ضرورت بازخوانی دقیق منابع دینی، شامل قرآن کریم، سنت نبوی (ص)، اجماع فقها و اصول عقلی را ایجاب می‌کند. هدف از این بازخوانی، تطبیق این منابع با یافته‌های علوم اعصاب و تبیین مشروعیت شرعی و اخلاقی اهدای عضو، ضمن حفظ کرامت انسانی حتی پس از مرگ است. این امر، به ویژه در جهت رفع نگرانی‌های موجود درباره حرمت جسد و جایگاه آن پس از مرگ، حائز اهمیت می‌باشد.

در وهله دوم، آیه شریفه «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) به روشنی اهدای عضو را در زمره عالی‌ترین تکالیف اخلاقی در اسلام، یعنی نجات جان انسان‌ها، قرار می‌دهد. با این حال، تحقق این تکلیف الهی، مستلزم رفع ابهامات و شبهات فراوانی است که پیرامون مسائلی چون احراز رضایت آگاهانه متوفی یا اولیای دم وی، جلوگیری از سوءاستفاده‌های تجاری و اقتصادی، و تضمین توزیع عادلانه اعضای اهدایی وجود دارد. این ابهامات تنها از طریق پژوهش‌های نظام‌مند اسلامی و با تکیه بر منابع معتبر دینی قابل پاسخگویی هستند.

در وهله سوم، آمارهای سازمان انتقال خون ایران نشان‌دهنده شکاف عمیق میان تعداد نیازمندان به پیوند عضو و تعداد اهداکنندگان است. بر اساس گزارش آماری سالانه فعالیت‌های اهدای عضو و پیوند اعضا در سال ۱۴۰۲، حدود ۲۵,۰۰۰ نفر در فهرست انتظار پیوند قرار دارند، در حالی که تنها ۱,۲۰۰ مورد اهدای عضو صورت گرفته است. این آمار تکان‌دهنده، ضرورت توسعه و ترویج فرهنگ اهدای عضو در جامعه را بیش از پیش آشکار می‌سازد. این امر، به ویژه نیازمند ارائه پشتوانه‌های اخلاقی و فقهی قوی و مقبول برای جامعه مذهبی است تا بتواند اعتماد عمومی را جلب کرده و مشارکت افراد را افزایش دهد.

لذا، این پژوهش با اتخاذ رویکردی بین‌رشته‌ای که فقه اسلامی، اخلاق زیستی و دانش پزشکی را در هم می‌آمیزد، در صدد است تا الگویی اسلامی و جامع برای هم‌سوسازی ارزش‌های دینی با پیشرفت‌های علمی در حوزه اهدای عضو تدوین نماید. این الگو، می‌تواند راهنمایی عملی برای تصمیم‌گیران، متخصصان پزشکی و عموم جامعه در مواجهه با این چالش‌های اخلاقی و فقهی باشد.

۱-۳. پیشینه پژوهش

تالیفات آیت‌الله محمدعلی تسخیری (۱۳۹۹) که از پیشگامان فقه تطبیقی در حوزه اخلاق زیستی است بسیار در این حوزه ارزشمند است ایشان با تألیف آثاری چون فقه پزشکی در پرتو اجتهاد ژرف‌نگر، بحوث فقهیه معاصره، اجتهاد و نواندیشی و نگاهی به موضوع شبیه‌سازی انسان، به تبیین مبانی فقهی مسائل نوپدید چون مرگ مغزی و اهدای عضو پرداخته‌اند. مقاله‌ی نظریه‌ی مصلحت در اهدای عضو نیز با تأکید بر مصالح عمومی، نقش مهمی در هم‌گرایی فتاوا ایفا کرده و مورد استناد مراکز علمی جهان اسلام همچون الازهر و مجمع تقریب مذاهب قرار گرفته است.

مرکز پژوهش‌های اسلامی المصطفی (قم)، از نهادهای پیشرو در حوزه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای فقه و علوم زیستی است که با همکاری دانشگاه‌های علوم پزشکی و حوزه‌های علمیه، پروژه‌های متعددی در زمینه اخلاق پزشکی اجرا کرده است. طرح پژوهشی «احکام پزشکی در فقه شیعه» (جلد چهارم: مرگ مغزی و احکام آن)، با جمع‌بندی آرای ۱۵ مرجع معاصر و تحلیل حکم قطع دستگاه‌های حیاتی، از جمله آثار شاخص این مرکز است. همچنین نشریه تخصصی «پژوهش‌های فقه پزشکی» با شماره‌ای ویژه درباره چالش‌های اخلاقی پیوند اعضا در جهان اسلام، با بهره‌گیری از داده‌های میدانی و مطالعه تطبیقی قوانین کشورهای اسلامی، به پاسخ‌گویی به مسائل روز مانند تجاری‌سازی اعضا و تعارض منافع پرداخته است. رویکرد تلفیقی این مرکز در بهره‌گیری

همزمان از فقه، داده‌های پزشکی و مطالعات اجتماعی، آن را به منبعی معتبر برای سیاست‌گذاری و تولید دانش قابل اتکا تبدیل کرده است.

در زمره‌ی نخستین مطالعات جامع و بین‌رشته‌ای در ایران، مقاله‌ی دکتر علیرضا مرندی (وزیر اسبق بهداشت، عضو فرهنگستان علوم پزشکی ایران) و همکارانش با عنوان «بررسی فقهی-پزشکی اهدای عضو پس از مرگ مغزی» که در سال ۱۳۸۲ در مجله‌ی علمی-پژوهشی «اخلاق در علوم پزشکی» منتشر شد، نقطه‌ی عطفی در پیوند دانش فقهی و علوم زیستی به‌شمار می‌آید. این پژوهش با استناد به منابع فقهی شیعه نظیر تحریرالوسیله امام خمینی (ره) و یافته‌های علوم اعصاب، مرگ مغزی را به‌مثابه مرگ واقعی از منظر شرعی تبیین کرده و مشروعیت اهدای عضو را مشروط به احراز قطعی مرگ، رضایت قبلی متوفی یا اولیای دم، و حفظ کرامت جسد مستند می‌سازد. جایگاه علمی نویسندگان، اعتبار مجله، و تأثیر این مقاله بر شکل‌گیری سیاست‌های کلان، از جمله آیین‌نامه اجرایی پیوند اعضا (۱۳۸۹)، موجب شده است که این اثر به‌عنوان یکی از منابع معتبر و الهام‌بخش در ادبیات فقه پزشکی کشور مورد ارجاع پژوهشگران و مراجع تقلید قرار گیرد.

۲-۱. مفاهیم

برای درک صحیح و جامع موضوع «مرگ مغزی و اهدای عضو» در پرتو آموزه‌های اسلامی، ضروری است تا مفاهیم کلیدی و اساسی مورد استفاده در این پژوهش با دقت و وضوح کامل تعریف شوند. این تعاریفات، چارچوبی مفهومی فراهم می‌کنند تا تحلیل‌ها و استدلال‌های آتی بر پایه‌ای استوار بنا شوند. در این بخش، به تبیین مفاهیم «مرگ مغزی»، «اهدای عضو»، «کرامت انسانی» و «حفظ جان» می‌پردازیم.

۲-۱-۱. مرگ مغزی:

مرگ مغزی، به عنوان یک مفهوم پزشکی، عبارت است از قطع غیرقابل بازگشت و همیشگی کلیه عملکردهای مغز، شامل ساقه مغز. این وضعیت، با استفاده از معیارهای بالینی دقیق و آزمایش‌های پاراکلینیک تخصصی (مانند نوار مغز ایزوالکتریک که نشان‌دهنده فقدان فعالیت الکتریکی در مغز است و آزمون آپنه که عدم توانایی بیمار در تنفس بدون دستگاه تنفس مصنوعی را نشان می‌دهد) تأیید می‌شود. در این حالت، فرد بدون استفاده از دستگاه‌های حمایتی پزشکی، قادر به حفظ حیات خود نیست و به تدریج، سایر اعضای بدن نیز به دلیل فقدان عملکرد مغز، از کار می‌افتند. این تعریف، بر غیرقابل برگشت بودن وضعیت و وابستگی کامل بیمار به دستگاه‌های حمایتی برای ادامه حیات تأکید دارد (مکارم شیرازی، استفتائات پزشکی، ص. ۱۳۲). در واقع، مرگ مغزی، نقطه

فرد در زمان حیات خود، وصیتی مبنی بر اهدای عضو کرده باشد، این وصیت باید محترم شمرده شود. در صورتی که فرد وصیتی نکرده باشد، تصمیم‌گیری در مورد اهدای عضو، بر عهده نمایندگان خانواده او خواهد بود. رعایت رضایت آگاهانه، به معنای احترام به حق خودمختاری و تصمیم‌گیری فرد در مورد سرنوشت بدن خود است. این اصل، از هرگونه اجبار، فشار، یا سوء استفاده در فرآیند اهدای عضو جلوگیری می‌کند و تضمین می‌کند که اهدای عضو، تنها با اراده آزادانه و آگاهانه فرد انجام گیرد.

۳-۶-۲. نیت خالص:

در اخلاق اسلامی، نیت نقش بسیار مهمی در تعیین ارزش اخلاقی اعمال ایفا می‌کند. عملی که با نیت خالص و با هدف رضایت خداوند انجام شود، دارای ارزش و پاداش بیشتری است. در زمینه اهدای عضو، نیت خالص به این معناست که انگیزه اصلی فرد از اهدای عضو، نجات جان انسان دیگر و کمک به هم‌نوع باشد. اگر انگیزه فرد، کسب سود و منفعت مالی، یا شهرت و اعتبار اجتماعی باشد، ارزش اخلاقی عمل او کاهش می‌یابد. چنانچه انگیزه فرد اهداکننده، خالصانه و با هدف نجات جان انسان دیگر باشد، عمل او رنگ عبادی به خود می‌گیرد و در قالب «صدقه جاریه» معنا می‌یابد. صدقه جاریه، به اعمال خیری اطلاق می‌شود که پس از مرگ فرد نیز، ثواب آن به او می‌رسد. اهدای عضو، به دلیل آنکه می‌تواند جان انسان‌ها را نجات دهد و به بهبود کیفیت زندگی آنها کمک کند، به عنوان یکی از مصادیق بارز صدقه جاریه در نظر گرفته می‌شود. از منظر مقاصد شریعت، «حفظ نفس» یکی از ضروریات پنج‌گانه است و در موارد تعارض با حرمت جسد، تقدم دارد (ابن عاشور، ۲۰۰۴؛ ریسونی، ۲۰۰۶). در شرایطی چون مرگ مغزی قطعی، که فقدان برگشت‌پذیری حیات جسمانی اثبات شده، اهدای عضو تجسمی از ایثار (حشر: ۹) و همکاری اجتماعی (مائده: ۲) به شمار می‌رود. این رویکرد، الگوی متعادلی از اخلاق فردی، تکلیف اجتماعی و عقلانیت دینی را در موضوعی حساس چون اهدای عضو ترسیم می‌کند. در مجموع، تحلیل اخلاقی اهدای عضو از منظر آموزه‌های اسلامی و اصول اخلاقی اسلامی، نشان می‌دهد که اهدای عضو، در صورت رعایت شرایط و ضوابط مذکور، عملی مشروع و دارای فضیلت است که می‌تواند به نجات جان انسان‌ها و بهبود کیفیت زندگی آنها کمک کند. با این حال، تأکید بر حفظ کرامت انسانی، رعایت رضایت آگاهانه، و نیت خالص، ضروری است تا از هرگونه سوء استفاده و انحراف در این زمینه جلوگیری شود و اهدای عضو، همواره در راستای ارزش‌های والای اخلاقی و انسانی انجام گیرد.

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با بررسی دقیق و جامع دیدگاه فقه امامیه در خصوص مرگ مغزی و اهدای عضو، نشان می‌دهد که چگونه این مکتب فقهی با تکیه بر اصول عقلایی، پزشکی و اخلاقی، و نیز با بهره‌گیری از مبانی فقهی مستحکم، به استقبال پدیده‌های نوظهور پزشکی رفته و راهکارهای سازگاری با موازین شرعی را ارائه می‌دهد. در این راستا، اکثریت قاطع مراجع تقلید معاصر، مرگ مغزی را به عنوان مصداقی از مرگ شرعی پذیرفته و اهدای عضو پس از تحقق آن را نه تنها جایز، بلکه در مواردی که نجات جان انسان‌ها در گرو آن است، به عنوان یک واجب کفایی تلقی می‌کنند. این رویکرد فقهی، ریشه در اصول و قواعدی دارد که در تار و پود فقه امامیه تنیده شده‌اند. اصل «تقدیم اهم بر مهم» به عنوان یکی از این اصول، نجات جان انسان را به عنوان یک امر مهم‌تر و ارجح، بر حرمت تعرض به جسد مقدم می‌دارد. به عبارت دیگر، زمانی که اهدای عضو می‌تواند جان انسانی را از مرگ حتمی نجات دهد، این عمل از نظر شرعی نه تنها مجاز، بلکه مطلوب و مورد تأکید قرار می‌گیرد. اصل «الضرورات تبیح المحظورات» نیز در همین راستا قابل تفسیر است؛ به این معنا که در شرایط اضطراری و ضروری، برخی از محرّمات و ممنوعیت‌ها می‌توانند جایز شمرده شوند. در این مورد، نجات جان انسان به عنوان یک ضرورت، می‌تواند مجوز شرعی برای اهدای عضو تلقی گردد. علاوه بر این، آموزه‌های قرآنی نیز به عنوان یکی از منابع اصلی فقه امامیه، این رویکرد را تأیید و تقویت می‌کنند. آیاتی نظیر «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (المائدة: ۲) که بر همکاری در امور نیک و پرهیزگاری تأکید دارد، و «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (المائدة: ۳۲) که نجات جان یک انسان را به مثابه نجات جان همه انسان‌ها می‌داند، به روشنی نشان می‌دهند که اسلام تا چه میزان به حفظ و حراست از جان انسان‌ها اهمیت می‌دهد. با این حال، فقه امامیه در عین توجه به ضرورت اهدای عضو و نجات جان انسان‌ها، بر رعایت چهار شرط اساسی و غیرقابل تخطی در این فرآیند تأکید دارد. در مقابل این دیدگاه غالب، اقلیتی از فقها با استناد به احتیاط شرعی و برخی ملاحظات علمی، معتقدند که تحقق توقف کامل قلب، شرط لازم برای تحقق مرگ واقعی است. این دیدگاه اگرچه در اقلیت قرار دارد، اما نشان می‌دهد که در فقه امامیه، همواره مجالی برای طرح دیدگاه‌های مختلف و تبادل نظر وجود دارد.

با وجود این اختلاف نظر، رویکرد غالب فقهی در خصوص مرگ مغزی و اهدای عضو، نشان از تلاش موفق برای ایجاد تعادل و هم‌افزایی بین موازین شریعت و دستاوردهای علمی روز دارد. هدف نهایی این رویکرد، تحقق کرامت انسانی (الاسراء: ۷۰) و نجات جان انسان‌ها در پرتو اجماع عقلایی و گفت‌وگوی فقهی و پزشکی است. این امر به خوبی نشان می‌دهد که فقه شیعه از ظرفیت بالایی برای پاسخگویی به مسائل مستحدثه و حمایت از فرآیندهای نوین اخلاق‌محور در علوم زیستی برخوردار است. فقه امامیه با تکیه بر مبانی اصیل خود و با نگاهی

باز و رو به جلو، می‌تواند نقش مهمی در حل چالش‌های اخلاقی و حقوقی ناشی از پیشرفت‌های علمی و فناوری ایفا کند و راه را برای بهره‌گیری از این دستاوردها در جهت بهبود زندگی انسان‌ها هموار سازد.

منابع:

قران کریم

- ۱- ابن عاشور، محمد الطاهر .مقاصد الشریعة الإسلامية، تحقیق و تعلیق: محمد الطاهر المیساوی، دوحه، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، ۱۴۲۵ق.
- ۲- بهجت، محمدتقی، استفتائات جدید، قم، انتشارات مؤسسه علمی فرهنگی منتظران، ۱۳۸۴
- ۳- پژوهشکده طب انتقال خون، عنوان گزارش گزارش آماری سالانه فعالیت‌های اهدای عضو و پیوند اعضا - سال ۱۴۰۲، ناشر سازمان انتقال خون جمهوری اسلامی ایران (IBTO)، تاریخ انتشار خرداد ۱۴۰۳.
- ۴- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶ق
- ۵- حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ ق.
- ۶- دهان، استانیسلاس، هوشیاری و مغز: رمزگشایی چگونگی کدگذاری افکار در مغز، ترجمه محمدعلی جعفری، تهران، انتشارات نی، ۱۳۹۹.
- ۷- الریسونی، احمد، نظریه المقاصد عند الإمام الشاطبی، ویرایش سوم، رباط، انتشارات المعهد العالمی للفکر الإسلامی، ۱۴۲۷ق.
- ۸- سبحانی، جعفر، اخلاق پزشکی در اسلام، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۹۰.
- ۹- صدوقی، فاطمه، تحلیل فقهی اهدای عضو در مرگ مغزی، مجله اخلاق زیستی، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۲۱-۱۴۳.
- ۱۰- صافی گلپایگانی، لطف‌الله. جامع الاحکام، ج ۲، ص ۱۸۹. قم: دفتر نشر اسلامی، ۱۴۳۰ق.
- ۱۱- سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، قم، مکتب آیت‌الله سیستانی، ۱۴۴۳ق.

- ۱۲- علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، تحقیق مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- ۱۳- انصاری، مرتضی بن محمدامین، المکاسب، قم، انتشارات سماء قلم، چاپ دوم، ۱۴۳۰ق.
- ۱۴- قانون پیوند اعضای بیماران فوت‌شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است، مصوب ۶/۴/۱۳۸۰، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۶۲۵.
- ۱۵- کاشفی، جواد، مرگ مغزی و اهدای عضو در فقه شیعه، فقه پزشکی، ۱۳۹۸.
- ۱۶- مجمع فقه اسلامی، قرارات الدورة الثامنة، مکه، انتشارات رابطۃ العالم الإسلامی، ۱۴۰۵ق.
- ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات پزشکی، قم، انشارات مدرسه امام علی ابن ابی‌طالب، ۱۳۹۸.
- ۱۸- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. تصحیح عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- ۱۹- مظاهری، عباس، فقه پزشکی، تطبیق احکام شرعی بر مسائل نوین، اصفهان، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۹۶.
- ۲۰- مطهری، مرتضی، حق و تکلیف در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۵۷.
- ۲۱- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تهران، انتشارات دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۹۴ق.
- ۲۲- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران. دستورالعمل تشخیص مرگ مغزی. تهران: معاونت درمان، ویرایش نهایی ۱۴۰۱.
- ۲۳- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران، دستورالعمل تشخیص مرگ مغزی، تهران، معاونت درمان، ۱۴۰۰.
- ۲۴- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران، دستورالعمل ملی تشخیص مرگ مغزی، ویرایش نهایی، ۱۴۰۰.

۲۵- هیئت وزیران، آیین‌نامه اجرایی قانون پیوند اعضا، مصوب ۶/۵/۱۳۸۱، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۶۶۰۵.

۲۶- Greer, David M., et al. Variability in Brain Death Determination Guidelines Worldwide. *Neurology* 94, no. 20 (2020)

۲۷- , Farhat. Islamic Perspectives on Brain Death. In *Bioethics Moazam and Organ Transplantation in a Muslim Society*, 117-142. Bloomington: Indiana University Press, 2016